

گفت و گوی صبا با شایان نقیبی کارگردان فیلم آخرین برف

هنر ابزار مقابله با مرگ



مریم عظیمی - چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران با اهمیت دادن به آثار اکسپریمنتال یا تجربی آوردگاهی برای ذهن‌های خلاق و ابزارهای تولید فیلم گشته است. آثار به مرزهای خلاقیت، فلسفه و فرم را فشار می‌آورند و امید است که بتوانند به گسترش این مرزها کمک کنند. خبرنگار صبا گفت و گویی با یکی از راه یافتگان این دوره داشته که در ادامه می‌خوانید.

کمی شما را بشناسیم.

متولد ۷۹ هستم و در هنرستان رشته انیمیشن و در دانشگاه کارشناسی سینما خوانده‌ام. سه انیمیشن کوتاه ساخته‌ام اولینش سبک مثل پرواز که در جشنواره خوارزمی مقام سوم کشوری شد و بعد انیمیشن نگاه که در جشنواره نهال و هنر برای صلح حضور داشت و جایزه گرفت. ساخته بعدی‌ام انیمیشن دست‌ها بود که در بخش فیلم‌های راجع به کرونا انجمن سینمایی جوان انتخاب شد و توانست چندین جایزه بین‌المللی بگیرد. اولین فیلم کوتاه داستانی‌ام هم وقتی کوتارد می‌آید بود که سال گذشته ساختم.

در مورد فیلم آخرین برف بگویید.

این فیلم در یک ماکت انیمیشن استاپ موشن ساخته شده به همین دلیل انیمیشن هم محسوب می‌شود اما به دلیل اینکه هیچ انیمیت و پویانمایی در آن به کار گرفته نشده و مانند دیگر فیلم‌ها با دوربین فیلمبرداری سینما فیلمبرداری شده (نوعی فیلمبرداری بدون بازیگر، دیالوگ و موسیقی) و قصه هم دارد فیلم داستانی هم محسوب می‌شود و تلفیق هر دوی آنها با هم موجب می‌شود که این فیلم یک فیلم تجربی باشد به همین خاطر در رسته فیلم‌های تجربی شانس بیشتری داشت و من در این بخش ثبت نام کردم. این اولین باری است که فیلمی از من در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور می‌یابد. یک فیلم مینیمال که در عین حال حتی مینیمال هم نیست به این خاطر که من یک قصه خیلی عمیق و پیچیده را به سادگی در این فیلم نشان دادم. هدف من نشان دادن مرگ بود و یک سری تفکرات اگزیستانسیالیستی که در بیشتر فیلم‌های قبلی‌ام وجود دارد و ناشی از ترس خودم از مرگ است. همیشه فلسفه مرگ برایم سوال برانگیز بوده و ذهنم را درگیر می‌کرده است. در این فیلم من ماکتی از یک اتاق خواب را نشان می‌دهم که شخص مرده‌ای وجود دارد و روی آن کفن کشیده شده و تک تک لوازم خانه، تابلوهای روی دیوار، کاغذ دیواری‌ها در حال محو شدن هستند. من از تکنیک دیزالو استفاده کردم این تکنیک سال‌هاست در سینما منسوخ شده و کم استفاده می‌شود در حالیکه در سینمای کلاسیک از این تکنیک بسیار استفاده می‌شد، به نوعی من آن را بازنمایی کردم و اشیاء را از این طریق محو کرده از بین بردم، این تا جایی پیش می‌رود که تمام عکس‌ها و هویت شخص مرده پاک می‌شود و به نیستی می‌رسد به نوعی من خواستم بر اساس همان تفکرات اگزیستانسیالیستی اینرا برسانم که وقتی ما می‌میریم همه چیز از بین می‌رود نه اینکه فیلم طرفدار پوچ‌گرایی باشد. می‌خواهم این پیام را بدهم که قبل از آنکه همه چیز از بین برود می‌توانیم بیشتر مراقب آنچه که داریم باشیم حتی خلاصه داستان هم این است که همه چیز می‌تواند از بین برود مانند یک دانه برف و صحنه اول فیلم اینگونه است که از پنجره برف می‌آید.

در مورد عوامل فیلم و بحث تهیه بگویید.

تهیه‌کننده‌ام خانم پریا لطیفی هستند، ایشان بازیگر کارم در فیلم کوتاه وقتی کوتارد می‌آید بودند که رشته اصلیشان بازیگری سینماست و به دلیل همفکری در زمینه موضوعات اگزیستانسیالیستی تمایل به همکاری با هم داریم. این تفکر به من یاد می‌دهد برای آنکه از چیزی نترسم برای مثال مرگ، سعی کنم زندگی‌م را با کارهایی که اصل و درست است پر کنم تا بفهمم نقشم در این جهان و زندگی چیست. وقتی که همه کارها را کامل انجام دهم دیگر ترسی نخواهی داشت به همین دلیل تهیه‌کننده من بسیار موافق تولید این آثار بود. ایشان دست مرا بسیار باز گذاشتند تا هر تجربه‌ای که لازم بود در فیلم انجام بدهم و این خیلی خوب است که تهیه‌کنندگان به فیلم‌سازان اعتماد کنند. صداگذار کار هم آقای امیرحسین بوریان هستند که به نظر من صداگذاری بسیار

داستانی و سینمایی بوده‌اند و از تکنیک همین فیلم‌های آوانگارد در فیلم‌های خود استفاده کرده‌اند. فیلم‌های تجربی همیشه در موزیک ویدیوها و سبک‌های دیگر فیلمسازی تأثیر گذاشته‌اند و فکر می‌کنم به همین دلیل باید به این سبک از فیلم بسیار بها داده شود. من علاقه زیادی به ساخت فیلم بلند دارم اما از آنجاییکه رشته خودم انیمیشن است همیشه با خود می‌گویم حتی اگر روزی معروف شوم هم دوست دارم برگردم و فیلم‌های کوتاه بسازم و تجربی کار کنم چرا که برخلاف اسمش که شاید اکثریت فکر می‌کنند به خاطر تجربی بودن حتماً فیلم‌های سطح پایینی هستند در حالیکه این فیلم‌ها فیلم‌های شجاعی هستند که در واقع با یک حالت وحشی و آزاد می‌توانند آنچه را که می‌خواهند در سینما تجربه کنند و نمایش دهند که شاید یک فیلم ساز مستند و داستانی آن جرات و جسارت را نداشته باشد. به نظر حضور در این جشنواره به لحاظ رزومه برای افرادی مانند من می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و تهیه‌کنندگان اثر و توانایی‌ام را می‌بینند و برای آینده و ساخت سینمایی بلند می‌تواند شناخت خوبی از من بجای بگذارد. حتی برای تهیه‌کنندگانی که در این جشنواره‌ها کارها را پشتیبانی می‌کنند هم این فرصت پیش می‌آید که کارگردان‌ها راحت‌تر به آنها اعتماد می‌کنند خب تهیه‌کنندگان آثار تجربی معمولاً دست کارگردان‌ها را بازتر می‌گذارند و این جشنواره‌ها به آنها اعتبار می‌دهد چرا که چهل سال است برگزار می‌شود، ورودی اسکار شده است، بخش بین‌المللی دارد، فیلمسازهای بین‌المللی متوجه فیلم‌ها می‌شوند، مطبوعات و رسانه دارد و همه این‌ها باعث می‌شود اتفاقات جدی بیشتری برای فیلمساز بیافتد و از آن حالت انفعالی که شاید قبل از جشنواره داشته خارج شود. خود من سال‌ها فیلم کوتاه می‌ساختم ولی پس از شرکت در این جشنواره و همزمان با آن چند جشنواره خارجی هم انتخاب شدم به نظر می‌رسد که این مسئله روی نگاه آنها هم تأثیر می‌گذارد.

موفقی انجام دادند چرا که حس و حال و فضای خیلی متفاوتی به فیلم من بخشید و بسیار امیدوارم که در طی جشنواره آگه فیلم در بخش تجربی کاندید شد برای صدا نیز کاندید شود چون علی‌رغم اینکه در فیلم هیچ اتفاق ویژه‌ای از لحاظ صدا مثل بمب وجود ندارد ولی صداگذارم همسو با هدف فیلم با ظرافت و خیلی مینی‌مالیستی از صدا استفاده کرده و فضای جذابی به فیلم داده است.

پذیرفته شدن فیلمتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسیار خوشحال و هیجان زده‌ام که فیلمم در جشنواره حضور دارد چرا که اصلاً فکرش را نمی‌کردم که فیلمم به جشنواره راه پیدا کند. اولین باری که ایده این فیلم به ذهنم رسید در واقع یک آزمون بود و می‌خواستم در ماکتم فیلمبرداری کنم و ببینم با تکنیک دیزالو و محو کردن که به جلوه‌های ویژه‌ای می‌ماند چه می‌توانم بکنم. همان زمان طراح ماکتم آقای محمد بحری و آقای بوریان صداگذار اثر وقتی فیلم را دیدند گفتند که فیلم عمیق و خوبی است و از کارهای قبلی‌ات بهتر است چرا که از طریق فرم و بدون بازیگر و دیالوگ یکسری مفاهیم را منتقل می‌کنی از من حمایت کردند و خواستند که ادامه بدهم و به شکل نهایی برسانم، وقتی فیلمبرداری‌ها تمام شد خیلی روی آن وقت گذاشتند. این پذیرش یعنی داوران حرفی را که من در فیلم زده‌ام درک کرده‌اند و این خیلی ارزشمند و مهم است.

حضور در چنین جشنواره برای یک هنرمند جوان چه دستاوردی دارد؟

فیلم‌های کوتاه در ایران و شاید حتی در تمام جهان مهجور باقی مانده‌اند و مخاطب خاص خود را می‌طلبند مخصوصاً بخش تجربی که بین فیلم‌های کوتاه کمتر از فیلم‌های داستانی به آنها پرداخته می‌شود، در حالیکه این فیلم‌های تجربی و آوانگارد هستند که روی ژانرهای دیگر سینما تأثیر می‌گذارند، فیلم‌هایی داشته‌ایم که